



بررسی پویایی‌های حاکم بر رفاه اجتماعی (۳)

سلسله گزارش‌های پویایی‌شناسی چالش‌های کشور





شماره مسلسل: ۱۹۲۷۸
کد موضوعی: ۲۱۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۲/۷/۱۶

عنوان گزارش:
بررسی پویایی‌های حاکم بر رفاه اجتماعی (۳)
سلسله گزارش‌های پویایی‌شناسی چالش‌های کشور

نام دفتر:
مطالعات اجتماعی (گروه رفاه و تأمین اجتماعی)، مرکز شبیه‌سازی و مطالعات سیستمی

تھیه و تدوین کنندگان:
محمدباقر امتی، ایمان شعبان زاده، محمد مهدی فروزان فر
رامین حسینعلیزاده

مدیر مطالعه:
هادی افراصیابی

همکاران:
حمیدرضا ایزد بخش، علی فهیمی

ناظران علمی:
بابک نگاهداری، محمدرضا مالکی، مهدی مختاری پیام

ویراستار ادبی:
زهره عطاردی

گرافیک و صفحه آرایی:
محمد دهقانی شهرابی



واژه‌های کلیدی:
۱. رفاه اجتماعی
۲. حمایت‌های اجتماعی
۳. دینامیک رفاه اجتماعی
۴. پویایی‌شناسی



فهرست مطالب

۶	چکیده
۷	خلاصه مدیریتی
۸	۱. مقدمه
۸	۲. مدل تحلیل پویایی شناسی رفاه اجتماعی
۹	۳. تشریح مدل به تفکیک متغیرها
۱۹	۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۰	پیوست
۲۲	منابع و مأخذ

فهرست اشکال، نمودارها و جدول

۹	شکل ۱. متغیرهای موجود در مدل پویایی شناسی رفاه اجتماعی
۱۰	شکل ۲. متغیرهای در تعامل با متغیر کیفیت تأمین اجتماعی در دینامیک رفاه اجتماعی
۱۱	نمودار ۱. تعداد خانوارهای تحت پوشش نهادهای حمایتی از سال ۱۳۹۲-۱۴۰۰
۱۲	شکل ۳. روابط متغیر فقر و محرومیت در دینامیک رفاه اجتماعی
۱۳	شکل ۴. روابط متغیر رفاه اجتماعی در دینامیک رفاه اجتماعی
۱۴	شکل ۵. تعاملات متغیر تقاضا در دینامیک رفاه اجتماعی
۱۵	شکل ۶. انگیزه توامندسازی در دینامیک رفاه اجتماعی
۱۶	شکل ۷. توزیع عادلانه فرصت‌های در دینامیک رفاه اجتماعی
۱۷	شکل ۸. عوامل اثرگذار بر آسیب‌های اجتماعی در مدل دینامیک رفاه اجتماعی
۱۸	شکل ۹. تورم در مدل دینامیک رفاه اجتماعی
۱۹	نمودار ۲. میانگین مستمری پرداختی ماهیانه به مددجویان تحت پوشش نهادهای حمایتی
۲۰	جدول تعاریف متغیرهای کلیدی موجود در دینامیک رفاه اجتماعی



بررسی پویایی‌های حاکم بر رفاه اجتماعی (۳): سلسله گزارش‌های پویایی‌شناسی چالش‌های کشور

چکیده



توانمندسازی، توزیع عادلانه فرصت‌ها، احساس محرومیت نسبی، هزینه‌های حمایتی و یارانه‌ای، آسیب‌های اجتماعی و تورم در این مدل به تفکیک روابط علی مستقیم و غیرمستقیم میان متغیرهای مختلف داخل دینامیک‌ها مورد بررسی قرار گرفته و وضعیت مثبت یا منفی بودن ارتباط آنان تبیین شده است؛ بنابراین علاوه بر ترسیم وضعیت هریک از مؤلفه‌های اصلی به شکل بخش‌های مجزا، در نهایت تحلیل نهایی دینامیک رفاه اجتماعی به مثابه کل یکپارچه با تعیین نقاط اصلی تداخل متغیرهای مشخص شده است.

رفاه اجتماعی مفهومی چندبعدی است که برای توضیح کیفیت تحقق آن، متغیرهای متعددی دخالت دارد. هریک از این متغیرها خود در شبکه‌ای پیوسته در ارتباط با یکدیگر دینامیک‌های مختلفی را تشکیل می‌دهند. در مدل دینامیک رفاه اجتماعی، هجده دینامیک داخلی به صورت شبکه‌ای بر محورهای اصلی تأثیر می‌گذارد. همچنین هشت متغیر به عنوان مؤلفه‌های اصلی تعیین کننده وضعیت رفاه اجتماعی در جامعه معرفی شده‌اند که عبارت‌اند از: کیفیت تأمین اجتماعی، انگیزه مشارکت اجتماعی، انگیزه



قالب مدل پویایی‌شناسی رفاه اجتماعی است تا شاید بتواند تصویری واقعی از روابط حاکم بر مؤلفه‌ها و متغیرهای حاکم بر نظام رفاهی کشور پیش روی تصمیم‌گیران و سیاستگذاران قرار دهد.

یافته‌های کلیدی

در این گزارش باارائه یک مدل علی - معلولی به منظور شناسایی و تبیین پویایی‌های پراهمیت در حوزه رفاه اجتماعی و آثار متقابل و بازخورددهای موجود میان متغیرهای تأثیرگذار آن، درنهایت هشت متغیر به عنوان مؤلفه‌های اصلی تعیین کننده وضعیت رفاه اجتماعی در جامعه شامل؛ کیفیت تأمین اجتماعی، انگیزه مشارکت اجتماعی، انگیزه توانمندسازی، توزیع عادلانه فرسته‌ها، احساس محرومیت نسبی، هزینه‌های حمایتی و یارانه‌ای، آسیبهای اجتماعی و تورم معرفی شده‌اند. همان‌طور که در هر بخش به طور مجزا ارتباط میان وضعیت هر متغیر بر کیفیت رفاه اجتماعی در جامعه تبیین شده است، درمجموع نیز می‌توان نتیجه گرفت که رفاه اجتماعی یک مقوله چندبعدی و پیچیده است که هم‌واجد مؤلفه‌های ذهنی و هم مؤلفه‌های عینی است. درواقع رفاه اجتماعی در مرکز یک منظومه اجتماعی - اقتصادی و روانی قرار گرفته است و هم مؤلفه‌های عینی همچون تورم، کیفیت تأمین اجتماعی (هزینه‌های بهداشت، سلامت، آموزش، مسکن و اشتغال) و هم مؤلفه‌های ذهنی همچون احساس محرومیت نسبی، انگیزه توانمندسازی و انگیزه مشارکت اجتماعی، بر آن اثرگذارند.

پیشنهاد راهکار تقنیّی، نظارتی یا سیاستی

این گزارش همانگونه که از عنوان آن مشخص است در مقام ارائه راهکارهای تجویزی برای حل مسائل حوزه رفاه و تأمین اجتماعی کشور نیست و رسالت خود را بر تبیین رابطه علی - معلولی و عوامل تأثیرگذار بر این حوزه قرار داده است، از این رو توصیه سیاستی این گزارش توجه سیاستگذاران به رابطه علی - معلولی نظام رفاهی کشور با محیط و نظام‌های بیرونی و تأثیر و تأثر متغیرهای درونی این نظام بر یکدیگر است. در غیر این صورت ممکن است علیرغم تلاش‌ها و تخصیص منابع قابل توجه دستاوردهای برای جامعه حاصل نشود. لذا هرگونه مداخله قانونی در تغییر وضعیت هر متغیر باید عطف به متغیرهای زمینه‌ای و وضعیت کلی دینامیک رفاه اجتماعی در کشور باشد.

بیان مسئله

یکی از بنیادی‌ترین چالش‌های دولت مدرن از ابتدای تشکیل تاکنون، تعیین میزان تعهدات دولت در مقابل تضمین حقوق اجتماعی افراد بوده است. رویکردهای مختلف، پاسخ‌های متفاوتی را جهت تعیین سهم مداخله دولت در تأمین رفاه افراد در نظر می‌گیرند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رویکرد روشی در مقابل نقش دولت در تضمین حقوق اجتماعی افراد اتخاذ کرده است؛ حق آموزش، اشتغال، تأمین اجتماعی، مسکن و غیره، حقوقی هستند که در اصول سوم، بیست و هشتم، بیست و نهم، سی ام، سی و یکم و چهل و سوم قانون اساسی به صراحت دولت در تضمین آنها مكلف شده است. اراده قانونگذار بر تحقق تأمین اجتماعی صرفاً به قانون اساسی محدود نمانده و با تدوین قوانین مختلف از جمله قوانین برنامه توسعه و قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب [۱۳۸۳] بر اهمیت این حق و لزوم تحقق آن تأکید کرده است. براساس قانون ساختار؛ پارادایم نظام تأمین اجتماعی شامل سه حوزه بیمه‌ای، حمایتی و امدادی در کشور شکل گرفت و بدین ترتیب ضمن برخورداری از کلیتی انسجام‌بخش، اصول و راهبردهایی برای تحقق تأمین اجتماعی در کشور معرفی گردید. با این وجود، اجرای قوانین مذکور نیز با چالش‌های متعددی نظیر مشکلات ساختاری، ناپایداری مالی دستگاه‌های اجرایی، ناهماهنگی میان نهادهای مختلف فعل در این حوزه و ناهمسوبی تصمیمات متعدد در قلمرو تأمین اجتماعی و همچنین فشارهای بیرونی و فرابخشی اقتصادی، سیاسی و جمعیتی رو برو بوده است. اکنون سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی [۲] که در فروردین ماه ۱۴۰۱ به قوای سه گانه ابلاغ گردیده است، به دنبال ایجاد «ساختارها» و «سازوکارهای» جدیدی جهت بردن رفت از این چالش‌ها و به معنای ابلاغ فرمانی برای بازگشت به حق تأمین اجتماعی و تحقق آرمان‌های مقدس نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه رفاه و تأمین اجتماعی است. بدون شک طراحی ساختارها و سازوکارهای جدید بیش از هر چیز به ارائه تصویری روش از مسائل این حوزه، عوامل متأثر و مؤثر و شناخت روابط علی - معلولی متغیرهای حاکم بر این حوزه دارد، در غیر این صورت سند سیاست‌ها نیز توفیقی نخواهد یافت. کارویژه گزارش حاضر نیز، شناخت متغیرهای اصلی اثرگذار بر کیفیت رفاه اجتماعی جامعه در

۱. مقدمه

رفاه اجتماعی وضعیتی است ناظر بر حفظ کرامت انسانی جامعه که با وجود پذیرش تأثیر از سایر حوزه‌ها، بیشتر دارای ابعاد اجتماعی- اقتصادی است. با وجود تعاریف متعدد می‌توان مؤلفه‌های تأمین اجتماعی و بازنیستگی، سلامت، آموزش، مسکن و اشتغال را موضوعات اصلی مورد بررسی حوزه رفاه دانست. بر این مبنای، سیاستگذاری در حوزه رفاه در پی مدیریت مسائل اجتماعی، تأمین نیازهای اساسی و تأمین فرصت‌های اجتماعی برابر است. در واقع رفاه و تأمین اجتماعی حمایتی است که جامعه در قبال پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی پدید آمده به‌واسطه قطع یا کاهش شدید درآمد افراد، ناشی از بیماری، بارداری، حوادث و بیماری‌های ناشی از کار، سالمندی، بیکاری، از کارافتادگی، فوت و همچنین ناشی از افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری خانواده (عائله‌مندی) به اعضای تحت پوشش خود ارائه می‌دهد. نظام تأمین اجتماعی به عنوان مهم‌ترین اهرم رفاه و برقراری عدالت اجتماعی شامل سه بُعد بیمه‌های اجتماعی^۱، مساعدت‌های اجتماعی و امداد اجتماعی است. گسترش پوشش‌های بیمه‌ای و حمایتی و نظام تأمین اجتماعی کارآمد در فرهنگی و بهداشتی، کاهش فقر و متعادل نمودن توزیع درآمد، کاهش رسیک و ناظمینانی نیروی کار در سال‌های آتی (بازنشستگی) شود.

این گزارش تلاشی به منظور ارائه یک مدل علی- معمولی برای شناسایی و تبیین پویایی‌های پراهمیت در حوزه رفاه اجتماعی و آثار متقابل و بازخوردهای موجود میان متغیرهای تأثیرگذار این حوزه است. این مدل در ک ابعاد مختلف موضوع را برای سیاستگذاران تسهیل کرده و امکان مواجهه جامع‌تر و ارائه سیاست‌ها و راهکارهای سنجیده‌تر را فراهم می‌کند.

۲. مدل تحلیل پویایی‌شناسی رفاه اجتماعی



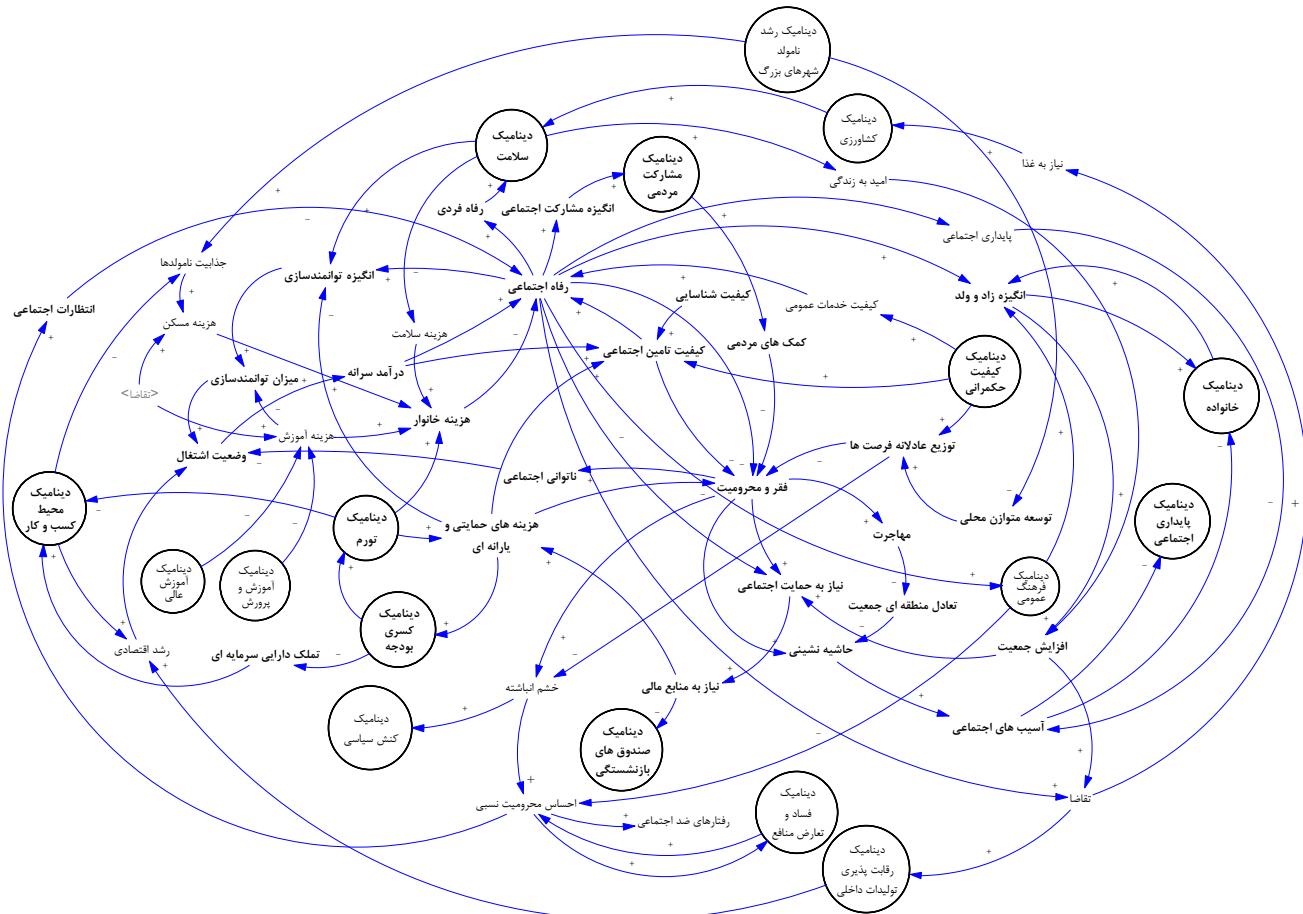
توانمندسازی، توزیع عادلانه فرصت‌ها، احساس محرومیت نسبی و هزینه‌های حمایتی و یارانه‌ای از جمله متغیرهایی هستند که در این مدل مورد توجه قرار گرفته‌اند. در شکل‌های بعدی به صورت مبسوط همه متغیرها و روابطی مابین آن‌ها معرفی خواهند شد.

متغیرها و روابط موجود در مدل توسعه داده شده در قالب شکل‌های مختلف و پیوسته معرفی می‌شوند. شکل ۱ نمای کلی متغیرهای به کار رفته در مدل رانمایش می‌دهد. رفاه اجتماعی، کیفیت تأمین اجتماعی، انگیزه مشارکت اجتماعی، انگیزه

۱. پویایی‌شناسی پایداری صندوق‌های بازنیستگی در گزارشی مستقل به چاپ رسیده است.



شکل ۱. متغیرهای موجود در مدل پویایی‌شناسی رفاه اجتماعی

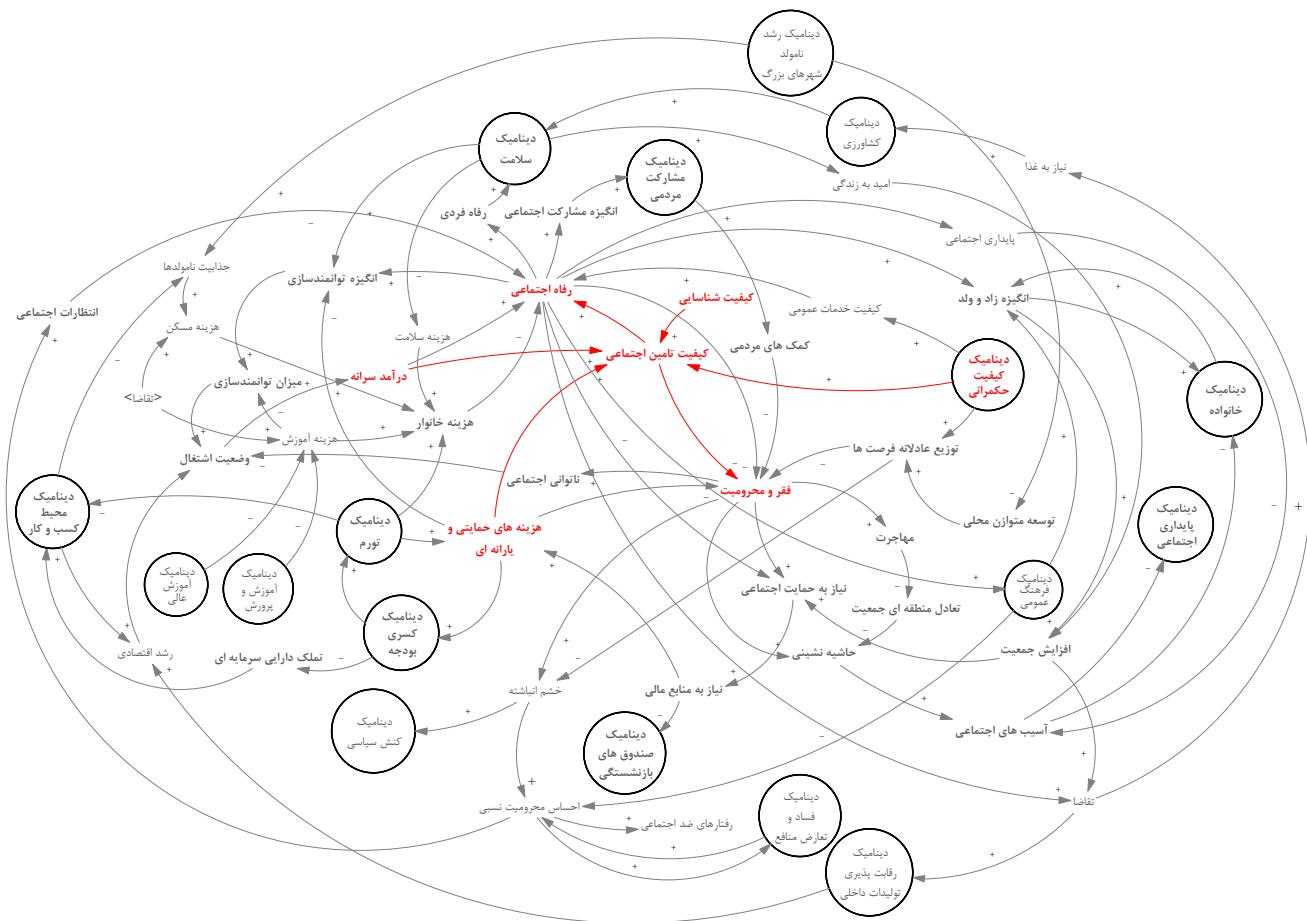


۳. تشریح مدل به تفکیک متغیرها

همگی با روابط علی و معلولی مثبت روی کیفیت تأمین اجتماعی اثر می‌گذارند. به عبارت دیگر با افزایش این متغیرها کیفیت تأمین اجتماعی افزایش و با کاهش آنها کیفیت تأمین اجتماعی کاهش می‌یابد. همچنین متغیر کیفیت‌شناسایی جامعه‌های مختلف فوق اثرگذار است. طبق روابط مشخص شده با کاهش کیفیت تأمین اجتماعی، فقر و محرومیت افزایش یافته و رفاه اجتماعی کاهش می‌یابد (شکل ۲).

برای تشریح مدل از متغیر «کیفیت تأمین اجتماعی» و عوامل تأثیرگذار بر آن آغاز نموده و به تدریج سایر متغیرها معرفی شده و روابط آنها با دیگر متغیرها تبیین می‌شود. **متغیرها و روابط جدید** در هر تصویر با رنگ **قرمز** و **متغیرهای تشریح شده**، بارنگ **آبی** نمایش داده می‌شوند. کیفیت تأمین اجتماعی متأثر از متغیرهای مختلفی از جمله هزینه‌های حمایتی و بارانه‌ای، کیفیت شناسایی و درآمد سرانه است. این متغیرها

شکل ۲. متغیرهای در تعامل با متغیر کیفیت تأمین اجتماعی در دینامیک رفاه اجتماعی



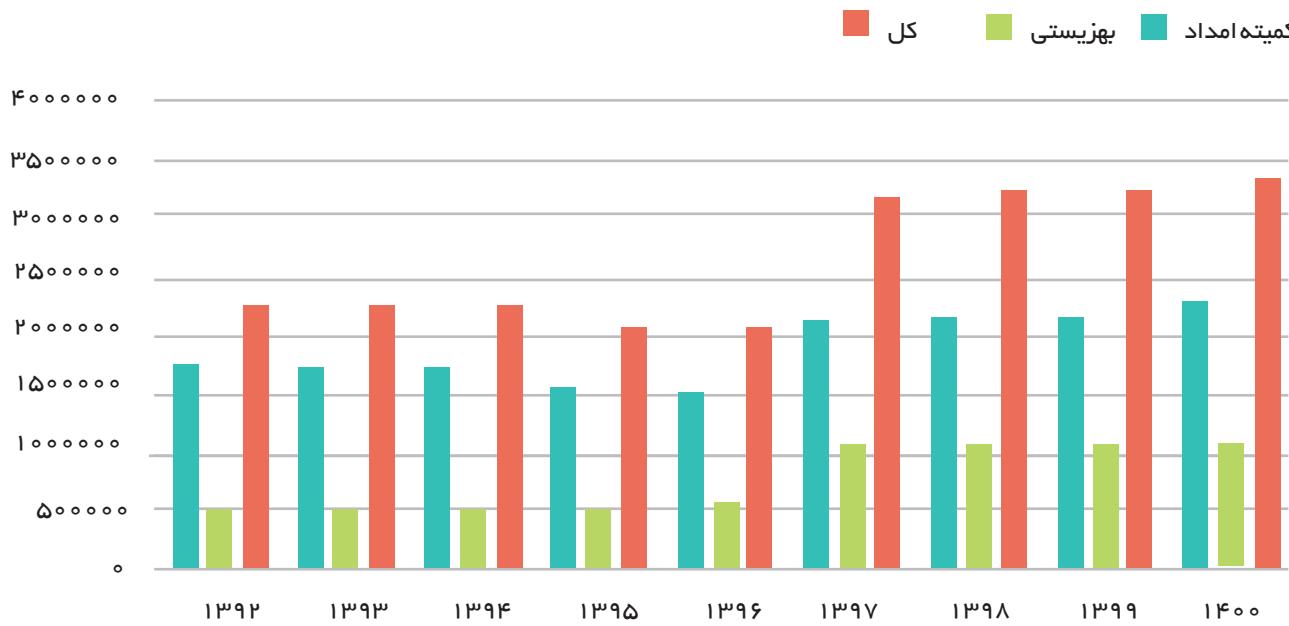
گوناگونی از جمله افزایش حاشیه نشینی و برهم خوردن توسعه متوازن محلی در شهر و تشدید کاهش کیفیت محیط مبدأ را به همراه دارد. نوع دیگر مهاجرت ناشی از افزایش فقر و محرومیت مهاجرت شهرنشینان به حاشیه شهر است که خود آثار و تبعات گوناگونی را به همراه خواهد داشت. از سوی دیگر افزایش فقر و محرومیت، نیاز به حمایت اجتماعی را افزایش داده و در نتیجه نیاز به منابع مالی بیشتر می شود.

فقر و محرومیت از جمله متغیرهایی است که از کیفیت تأمین اجتماعی اثر می‌پذیرد و با تغییر خود حلقه‌های مختلفی را فعال می‌کند. بافزایش فقر و محرومیت، از کیفیت محیط کاسته شده و به تبع آن مهاجرت افزایش می‌یابد. این مهاجرت خود را در اشکال مختلف نشان می‌دهد. گروهی از افراد برای فرار از افت کیفیت محیط پیرامونی خود از روستاهای و مناطق کمتر توسعه یافته به شهرهای بزرگ و مراکز استان مهاجرت می‌کنند که با خود مسائل

شرایط کلان اقتصادی کشور تعداد کل خانوارهای تحت پوشش در سال ۱۴۰۰ به عدد ۳،۳۷۷،۱۰۰ رسیده است. با افزایش فقر و محرومیت نیاز به حمایت اجتماعی تشدید شده و در نتیجه یارانه‌ها و هزینه‌های حمایتی افزایش و سهمی از بودجه که می‌توانست برای ارتقای زیرساخت‌ها و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای هزینه‌شود کاهش می‌یابد و این امر به نوبه خود سبب فعل شدن بازخوردهای تشدید‌کننده کسری بودجه می‌شود.

اطلاعات نمودار ۱ به خوبی نشان‌دهنده افزایش هزینه‌های حمایتی ناشی از کاهش رفاه در اقسام درآمدی پایین و متوسط کشور است. برای نمونه از سال ۱۳۹۶ بهدلیل گسترش تحریم‌های ظالمانه جهانی و نابسامانی وضعیت اقتصادی، افزایش قابل توجهی در تعداد سطح رفاه اجتماعی مردم، افزایش قابل توجهی در تعداد مستمری بگیران نهادهای حمایتی اتفاق افتاده است. تعداد خانوارهای تحت پوشش نهادهای حمایتی در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال گذشته افزایش ۵۳ درصدی داشته [۳] و تحت تأثیر

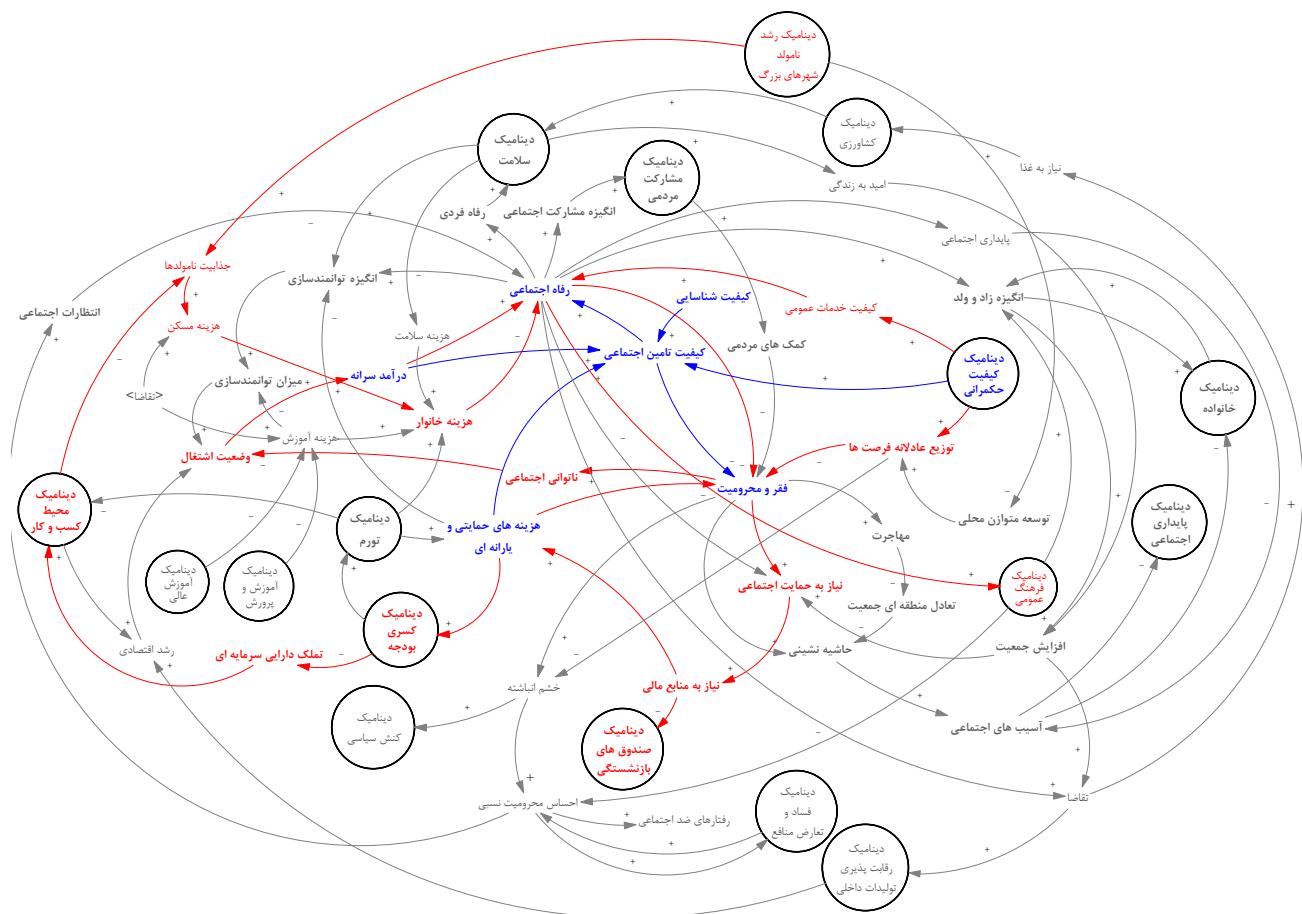
نمودار ۱. تعداد خانوارهای تحت پوشش نهادهای حمایتی از سال ۱۳۹۲-۱۴۰۰



جامعه می شود. تشدید فقر و محرومیت با بر هم زدن تعادل منطقه ای جمعیت و به تبع آن تشدید حاشیه نشینی باعث افزایش آسیب های اجتماعی می گردد. از سوی دیگر افزایش فقر و محرومیت با گسترش ناتوانی اجتماعی وضعیت اشتغال کشور را متأثر از خود می سازد و در نتیجه به کاهش رفاه اجتماعی در کشور منجر می شود. (شکل ۳)

کاهش اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ناشی از کسری بودجه، منجر به کاهش کیفیت فضای کسب و کار شده و در نتیجه جذابیت نامولددها را به همراه دارد (دینامیک فضای کسب و کار). با افزایش جذابیت نامولددها، هزینه تأمین مسکن خانوارهای ناشی از فعالیت‌های سوداگرانه افزایش یافته و در نهایت باعث تشديد فقر و محرومیت در

شکل ۳. روابط متغیر فقر و محرومیت در دینامیک رفاه اجتماعی

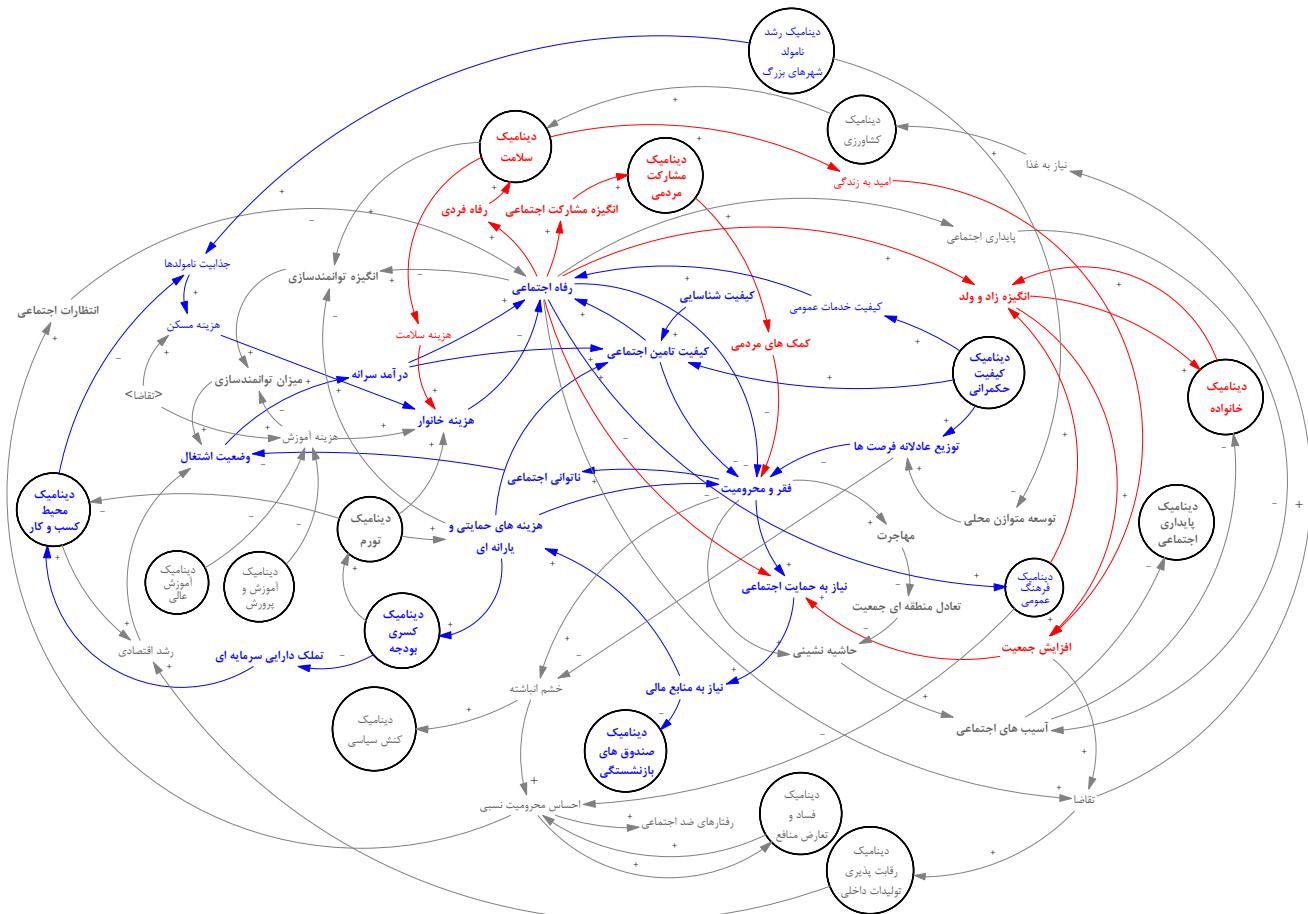


نهایت بر افزایش جمعیت اثر مثبت خواهد داشت. اگرچه افزایش جمعیت با توجه به بحران سالمندی که کشور طی دو دهه آینده با آن مواجه خواهد بود، مثبت ارزیابی می‌شود، اما بالقوه می‌تواند نیاز به حمایت اجتماعی را افزایش داده و در میان مدت افزایش هزینه‌های عمومی کشور را به همراه داشته باشد. اما در بلندمدت بازار نیروی کار موردنیاز تولیدات داخلی و همچنین بازار مصرفی داخلی را رونق می‌بخشد و در نتیجه افزایش توان اقتصادی کشور را در پی خواهد داشت.

همانطور که در شکل ۴ مشاهده می‌شود افزایش رفاه اجتماعی، انگیزه مشارکت اجتماعی را بالا برد و با افزایش مشارکت اجتماعی، کمک‌های مردمی افزایش یافته و این امر به کاهش فقر و محرومیت در جامعه منجر می‌گردد.

در عین حال بهبود رفاه اجتماعی، انگیزه زاده ولد را افزایش داده و باعث افزایش جمعیت می‌شود. از سوی دیگر بهبود رفاه اجتماعی رفاه فردی را افزایش داده و بر سلامت جامعه تأثیر مثبت می‌گذارد و به تبع آن امید به زندگی در جامعه بیشتر شده و این چرخه نیز در

شکل ۴. روابط متغیر رفاه اجتماعی در دینامیک رفاه اجتماعی



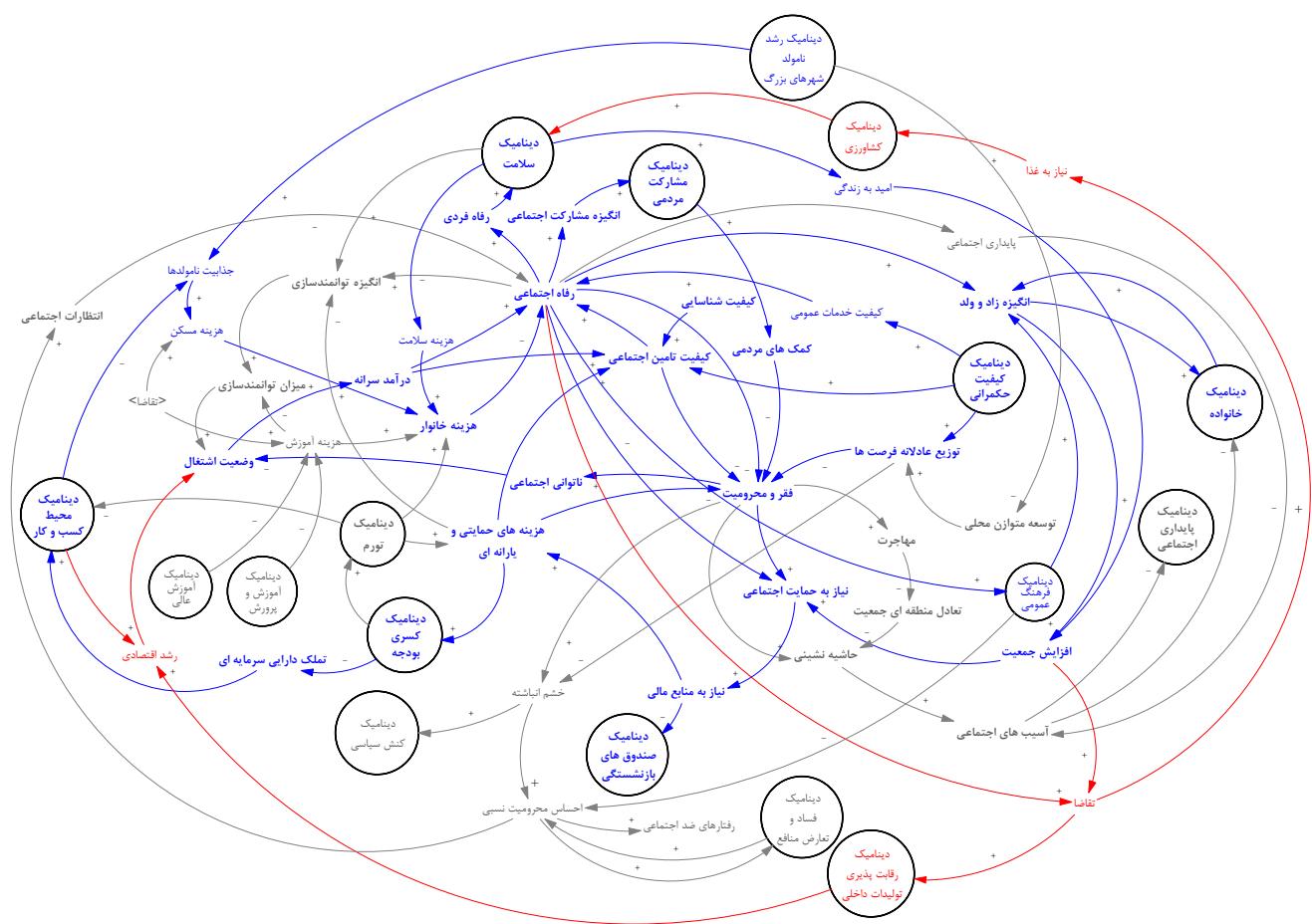
میلیون نفر از جمعیت کشور را زیر خط فقر قرار داده است. در سال ۱۳۹۶ نیز خط فقر نسبت به سال ۱۳۹۸ ۳۸٪ افزایش داشته است.^[۳]

طبق گزارش معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، نرخ فقر از ۲۶/۵ در سال ۱۳۹۶ به ۳۲٪ در سال ۱۳۹۸ رسیده که معادل

دچار آسیب نموده و بر رشد اقتصادی اثر منفی می‌گذارد. با کاهش رشد اقتصادی، وضعیت اشتغال در کشور آسیب‌پذیر شده و مجدداً شاهد چرخه معیوب کاهش درآمد سرانه، کیفیت تأمین اجتماعی و درنهایت کاهش رفاه اجتماعی در کشور خواهیم بود.

شکل ۵ به تبیین تعاملات متغیر تقاضا در دینامیک رفاه اجتماعی می‌پردازد. مشاهده می‌شود که کاهش رفاه اجتماعی به کاهش تقاضا منجر می‌شود. کاهش تقاضا، بر سلامت افراد تأثیر منفی می‌گذارد. مضافاً اینکه کاهش تقاضا رقابت‌پذیری تولیدات داخلی را

شکل ۵. تعاملات متغیر تقاضا در دینامیک رفاه اجتماعی



خانوار در دهک‌های کم‌درآمد بخش عمده‌ای از هزینه به تأمین نیازهای اولیه (خوراک) اختصاص یافته است. این امر نشان‌دهنده کاهش رفاه خانوار به خصوص در دهک‌های پایین درآمدی است.

براساس گزارش وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی، در سال ۱۳۹۸ خانوارهای دهک اول بیش از ۲۶ درصد بودجه خود و خانوارهای دهک دهم کمتر از ۱۸ درصد بودجه خود را برای تأمین نیازهای خوراکی اختصاص داده‌اند [۴]؛ بنابراین در نتیجه افزایش هزینه

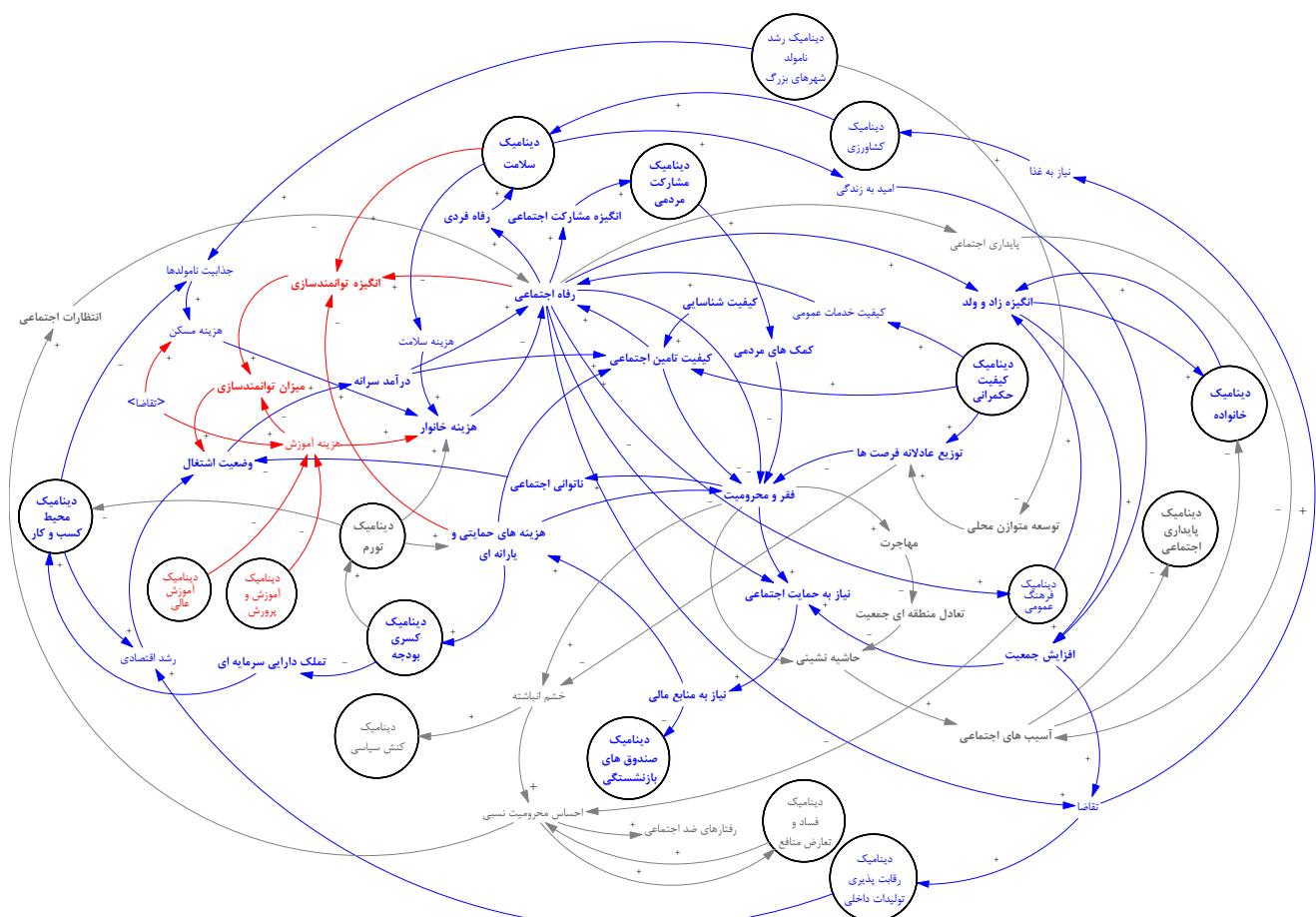
اجتماعی و فقر و محرومیت خواهد داشت. مورد دیگری که در شکل به آن اشاره شده اثر تقاضا بر روی هزینه‌های خانوار است. با کاهش تقاضا، هزینه‌های خانوار کاهش و با افزایش تقاضا، هزینه‌ها افزایش می‌یابند.

بخشی از هزینه‌ها مربوط به هزینه‌های آموزش است که با کاهش تقاضا این هزینه‌ها نیز کاهش می‌یابد و منجر به کاهش میزان توانمندسازی افراد در جامعه می‌گردد.

انگیزه توانمندسازی متغیری دیگری است که شکل ۶ به بررسی آن پرداخته است. عوامل تأثیرگذار بر این متغیر عبارتند از: رفاه اجتماعی، سلامت و هزینه‌های حمایتی و یارانه‌ای.

با کاهش رفاه اجتماعی و همچنین وضعیت سلامت انگیزه توانمندسازی نیز کاهش می‌یابد. از طرف دیگر افزایش هزینه‌های حمایتی و یارانه‌ای نیز انگیزه توانمندسازی را کاهش می‌دهد. این کاهش انگیزه اثر منفی بر وضعیت اشتغال و درنتیجه رفاه

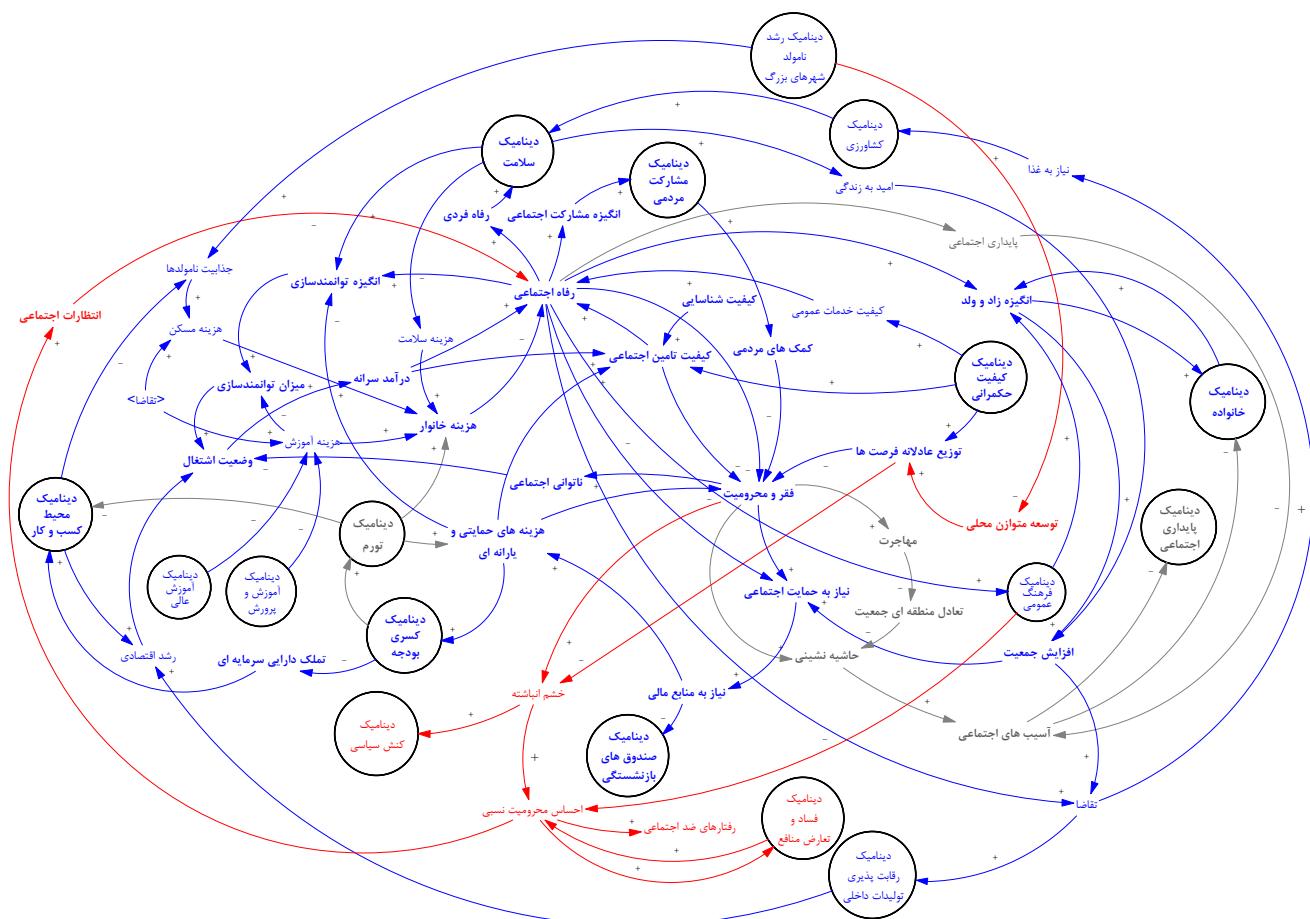
شکل ۶. انگیزه توانمندسازی در دینامیک رفاه اجتماعی



دارد. با کاهش توسعه متوازن محلی توزیع عادلانه فرصت‌ها کاهش می‌یابد و این کاهش موجب افزایش فقر و محرومیت، خشم انباسته و احساس محرومیت نسبی می‌شود. افزایش احساس محرومیت نسبی نیز به افزایش انتظارات اجتماعی و در نتیجه کاهش رفاه اجتماعی می‌انجامد. افزایش محرومیت نسبی همچنین موجب افزایش رفتارهای ضداجتماعی می‌شود. روابط اشاره شده در شکل ذیل مشخص شده‌اند.

شکل ۷ به توزیع عادلانه فرسته‌ها و رابطه آن با رفاه اجتماعی و دیگر متغیرهای مداخله‌گر در این دینامیک می‌پردازد. توزیع عادلانه فرسته‌ها متغیری در مدل است که از متغیرهای توسعه متوازن محلی و حضور در قدرت و دینامیک کیفیت حکمرانی اثر پذیرفته و بر متغیرهای احساس محرومیت نسبی، خشم انباشته و فقر و محرومیت اثر می‌گذارد. درواقع کاهش توزیع عادلانه فرسته‌ها و افزایش فقر و محرومیت، افزایش خشم انباشته را از دو سوبه‌همراه

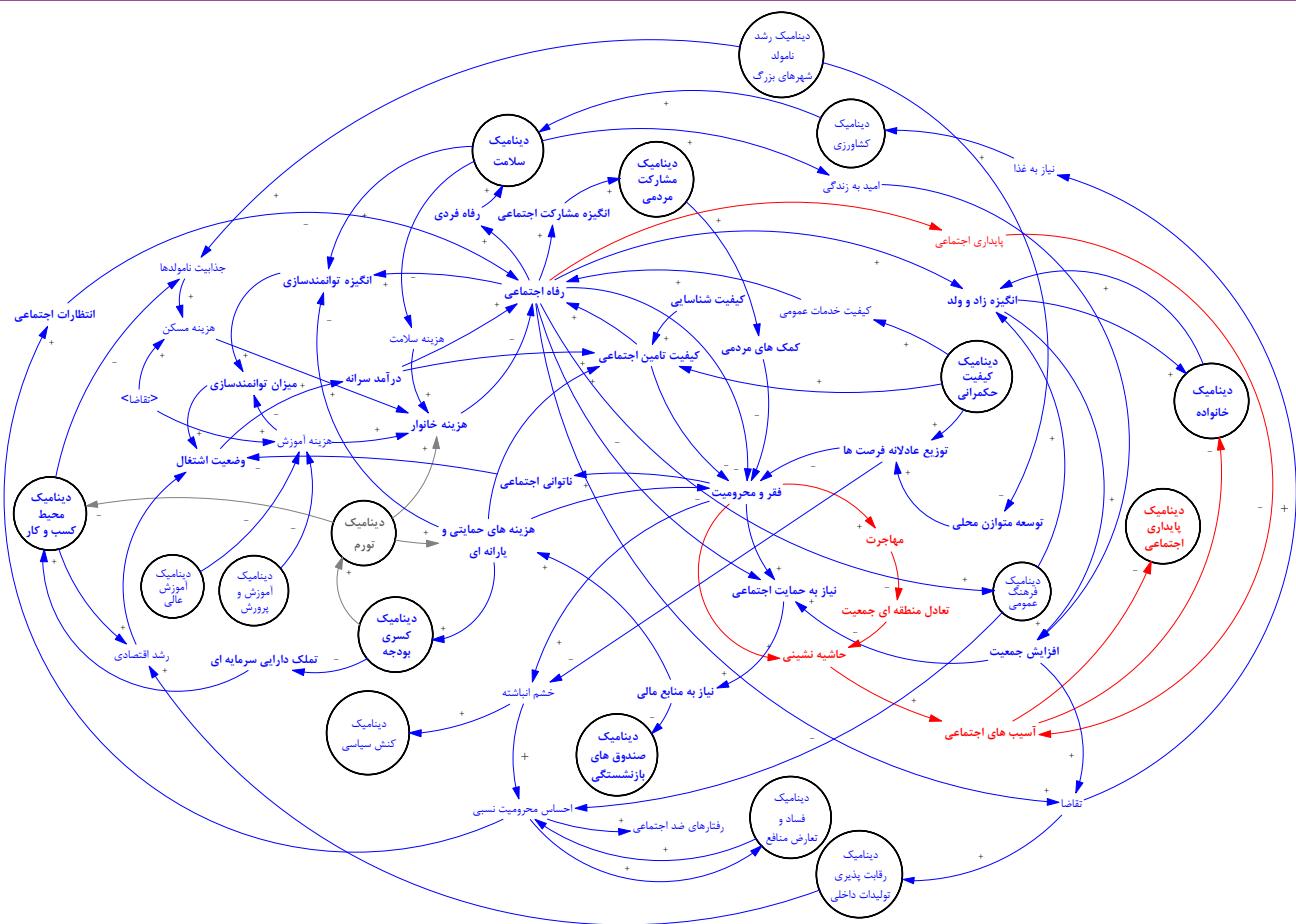
شکل ۷. توزیع عادلانه فرصت‌های دینامیک رفاه اجتماعی



مهاجرت، حاشیه‌نشینی و تعادل منطقه‌ای جامعه دچار مشکل شده و این عوامل به افزایش آسیب‌های اجتماعی منجر می‌شود. این روند دینامیک پایداری اجتماعی را تشکیل می‌دهد و تنها متغیرهای اثرگذار در حوزه آسیب‌هادر مدل مذکور به شمار می‌رود.

شکل ۸. متغیرهای تأثیرگذار بر متغیر آسیب‌های اجتماعی رانمایش می‌دهد. بر اساس روابط مشخص شده، زمانی که رفاه اجتماعی کاهش می‌یابد، پایداری اجتماعی افت کرده و در نتیجه آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر با زایش فقر و محرومیت و همچنین

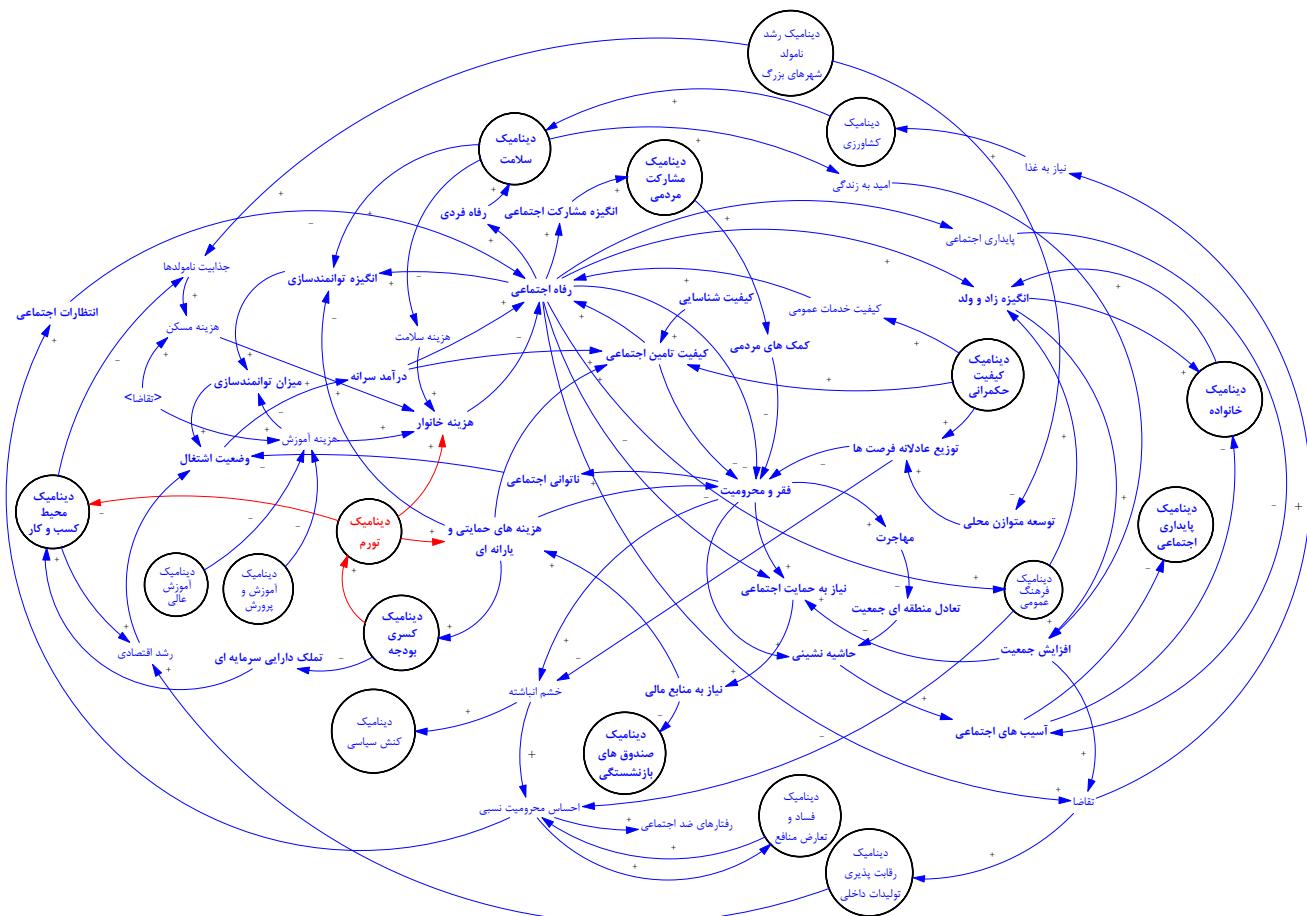
شکل ۸. عوامل اثرگذار بر آسیب‌های اجتماعی در مدل دینامیک رفاه اجتماعی



عومومی دولت از طریق افزایش هزینه‌های حمایتی و یارانه‌ای می‌شود. با افزایش هزینه‌های عومومی دولت، کسری بودجه و به تبع آن تشدید تورم اتفاق می‌افتد؛ این سیکل تداوم می‌یابد و رفاه اجتماعی توده جامعه را بیش از پیش آسیب‌پذیر کرده و منجر به گسترش فقر و محرومیت در جامعه می‌گردد. از این رو تورم را به عنوان یکی از مخرب‌ترین متغیرهای حوزه رفاه تلقی می‌کنند.
(شکل ۹).

شکل ۹ متغیر تورم را به عنوان یکی از متغیرهای کلیدی مؤثر بر رفاه اجتماعی به تصویر می‌کشد. تورم بر افزایش هزینه خانوار تأثیر مستقیم دارد و باعث کاهش رفاه اجتماعی می‌شود. این متغیر با کاهش کیفیت فضای کسب و کار منجر به افت رشد اقتصادی می‌گردد. در عین حال تورم به جهت تأثیری که بر هزینه خانوار می‌گذارد خانوارها را در تله فقر گرفتار نموده، تقاضا برای حمایت‌های اجتماعی را افزایش داده و سبب افزایش هزینه‌های

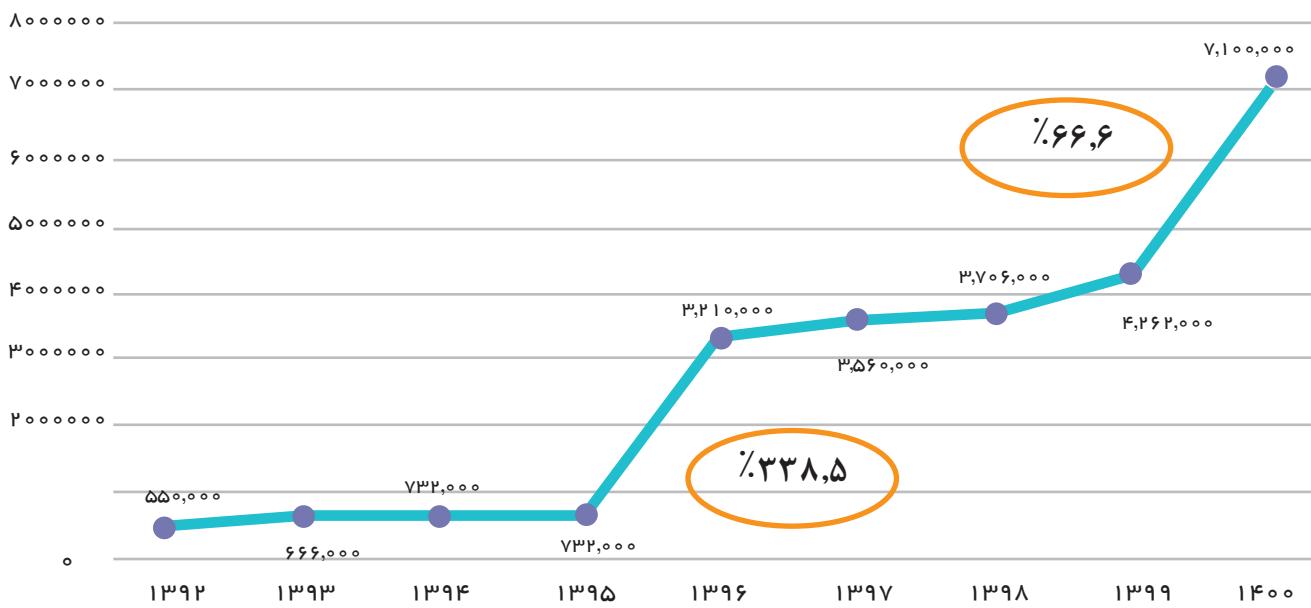
شکل ۹. تورم در مدل دینامیک رفاه اجتماعی



دادن شغل قرار گرفته‌اند و این تهدید با بحران‌های اقتصادی فزونی می‌یابد. به عنوان مثال افزایش دستمزدها در دوره کرونا تا حدی آثار منفی تورم را علیه کارگران رسمی محدود کرد؛ اما کارگران غیررسمی نه تنها افزایش دستمزد نداشتند بلکه با احتمال بیشتری شغل‌شان را از دست دادند [۴].

افزایش تورم سال‌های اخیر، تأثیر متفاوتی بر گروه‌های مختلف اجتماعی داشته است. علی‌رغم کاهش رفاه ایرانیان در دهه ۹۰، گروه‌های شاغلان غیررسمی و بیکاران، مستأجريان و ساکنان مناطق محروم، بیشتر از سایر گروه‌ها با کاهش رفاه مواجه شده‌اند. شاغلان بدون پوشش بیمه همواره باشدت بیشتری در معرض خطر از دست

نمودار ۲. میانگین مستمری پرداختی ماهانه به مددجویان تحت پوشش نهادهای حمایتی



مأخذ: نگاهی به سیاست‌های کاهش فقر با تأکید بر برنامه افزایش مستمری نیازمندان، ۱۴۰۰: ۱۳.

جمعیت پشت نوبتی نهادهای حمایتی، هزینه‌های عمومی کشور را نیز افزایش داده است. جهش ۳۳۸ درصدی سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۶ و رشد ۶۶ درصدی سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ دو بازه مهم افزایش هزینه‌های حمایتی برای نهادهای مذکور است که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود.

نمودار ۲ اثر تورم را بر افزایش مستمری مددجویان تحت پوشش نهادهای حمایتی نشان می‌دهد. چراکه دولت به منظور حفظ قدرت خرید افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی ناگزیر به افزایش مستمری این افراد بوده و این امر علاوه بر ایجاد مشکل در جذب

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رفاه اجتماعی جامعه در قالب مدل پویایی‌شناسی رفاه اجتماعی تشریح و تبیین شود. در این مدل ۸ متغیر به عنوان مؤلفه‌های اصلی تعیین کننده وضعیت رفاه اجتماعی در جامعه معرفی شده‌اند که عبارتنداز:

- کیفیت تأمین اجتماعی،
- انگیزه مشارکت اجتماعی،
- انگیزه توانمندسازی،
- توزیع عادلانه فرصت‌ها،
- احساس محرومیت نسبی،
- هزینه‌های حمایتی و یارانه‌ای،
- آسیب‌های اجتماعی،
- تورم.

ایجاد رفاه عمومی و امنیت اجتماعی مهم‌ترین و اساسی‌ترین پیش‌نیاز پیشرفت در همه جوامع است. یکی از ملزمات و مقدمات ایجاد رفاه اجتماعی، نظام تأمین و حمایت اجتماعی است که هدف اصلی آن استقرار امنیت، عدالت و انسجام اجتماعی است. تأمین اجتماعی به عنوان مجموعه‌ای از طرح‌های رفاهی، از طریق کاهش مخاطرات دوران اشتغال، حداقل نیازهای زندگی را برای اقشار مختلف جامعه در دورانی که فرد قادر به تأمین معیشت خود نیست، فراهم می‌کند. این نظام، از طریق طرح‌های باز توزیعی، به توزیع مخاطرات بین اقشار وسیعی از جامعه کمک کرده و با برقراری و توسعه طرح‌های بیمه‌ای داوطلبانه و اجباری، پس‌اندازهای فردی را به منظور مقابله با خطرات طبیعی، اقتصادی و اجتماعی تشویق می‌نماید. در این گزارش تلاش شد تا متغیرهای اصلی اثرگذار بر

اجتماعی-اقتصادی و روانی قرار گرفته است و هم مؤلفه‌های عینی همچون تورم، کیفیت تأمین اجتماعی (هزینه‌های بهداشت، سلامت، آموزش، مسکن و اشتغال) و هم مؤلفه‌های ذهنی همچون احساس محرومیت نسبی، انگیزه توانمندسازی و انگیزه مشارکت اجتماعی بر آن اثر گذارند.

همان طور که در هر بخش به طور مجزا ارتباط میان وضعیت هر متغیر بر کیفیت رفاه اجتماعی در جامعه تبیین شده است، در مجموع نیز می‌توان نتیجه گرفت که رفاه اجتماعی یک مقوله چندبعدی و پیچیده است که هم واحد مؤلفه‌های ذهنی و هم مؤلفه‌های عینی است. درواقع رفاه اجتماعی در مرکز یک منظومه

پیوست

متغیرهای مورد استفاده در گزارش و مورد استناد در مدل‌های دینامیکی رفاه اجتماعی در جدول ذیل براساس توافق نویسنده‌گان گزارش تعریف شده‌اند.

جدول تعاریف متغیرهای کلیدی موجود در دینامیک رفاه اجتماعی

ردیف	متغیر	تعریف
۱	هزینه‌های حماقیتی و یارانه‌ای	اعطای کمک مالی به روی یک کالای خدمتی که به مردم داده می‌شود جهت افزایش رفاه عمومی جامعه.
۲	فقر	وضعیتی است که فرد دارای مادی یا درآمد کافی برای رفع نیازهای اولیه خود را ندارد. فقرمی تواند علل و آثارگوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را داشته باشد. هنگام ارزیابی فقر در آمار باقتصاد دو معیار اصلی وجود دارد: فقر مطلق که درآمد را با مقادیر موردنیاز برای رفع نیازهای اولیه شخصی مانند غذا، پوشاش و سرپناه مقایسه می‌کند. فقر نسبی زمانی اندازه‌گیری می‌شود که یک فرد نتواند حافظ سطح استاندارهای زندگی را در مقایسه با دیگران و در همان زمان و مکان خود فرد برآورده کند. تعریف فقر نسبی از کشوری به کشور دیگر یا از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. به عنوان مثال اقتصاد ایالات متحده ممکن است در ایران و دیگر کشورها به عنوان بزرگترین و ثروتمندترین کشور در اقتصاد جهان شناخته شود. اما براساس اداره سرشماری ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۹ میلادی (قبل از دنیاگیری کووید-۱۹)، فقر نسبی در این کشور ۵.۵٪ اعلام شده و ۳۴ میلیون نفر در این کشور فقیرشناخته می‌شوند.
۳	محرومیت	عدم وجود ظرفیت به منظور بهره‌گیری از فرصت‌ها و قابلیت‌های موجود را محرومیت می‌دانند. عدم آگاهی کافی، فقدان نیروی انسانی لازم، تهدیدات محیطی و محدودیت‌های مالی همانند حلقه‌های زنجیری متصل به هم در مجموع باعث شکل‌گیری مفهومی به نام محرومیت می‌شوند.
۴	درآمد سرانه	ماحصل تقسیم تولید ناخالص داخلی کشور بر جمعیت را درآمد سرانه می‌گویند.
۵	کیفیت تأمین اجتماعی	تأمین اجتماعی حمایتی است که جامعه در مقابل پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی پذیدآمده به واسطه قطع یا کاهش شدید درآمد افراد، ناشی از بیماری، بارداری، حوادث و بیماری‌های ناشی از کار سالم‌مندی، بیکاری، ازکارافتادگی، فوت و همچنین ناشی از افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری خانواده (عائله‌مندی) به اعضا تحت پوشش خود را به می‌دهد.
۶	رفاه اجتماعی	رفاه و تأمین اجتماعی حمایتی است که جامعه در مقابل پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی پذیدآمده به واسطه قطع یا کاهش شدید درآمد افراد، ناشی از بیماری، بارداری، حوادث و بیماری‌های ناشی از کار سالم‌مندی، بیکاری، ازکارافتادگی، فوت و همچنین ناشی از افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری خانواده (عائله‌مندی) به اعضا تحت پوشش خود را به می‌دهد.
۷	مهاجرت	درون‌کوچی یا کوچ به معنای جابه جایی مردم از مکانی به مکانی دیگر برای کاریابی از جنگی است. مردم معمولاً به دلیل دور شدن از شرایط یا عوامل نامساعد دور کننده‌ای مانند فقر، بیماری، مسائل سیاسی، کمبود غذا، بلایای طبیعی، جنگ، بیکاری و کمبود امنیت مهاجرت می‌کنند. دلیل دوم می‌تواند شرایط و عوامل مساعد جذب کننده مقصد مهاجرت مانند امکانات بهداشتی بیشتر، آموزش بهتر و درآمد بیشتر، مسکن بهتر، آزادی‌های سیاسی و جو بهتر باشد.
۸	توزيع عادلانه فرصت‌ها	امکان ایجاد فرصت‌های برابرآموزشی، بهداشتی، شغلی و... برای کلیه شهروندان جامعه در راستای توزیع عادلانه درآمد و ثروت
۹	تملک دارایی سرمایه‌ای	طرهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مجموعه عملیات و خدمات مشخصی است که براساس مطالعات توجیهی، فنی، اقتصادی یا اجتماعی توسط دستگاه اجرایی انجام می‌شود و طی مدت معین و باعتبار معین برای تحقق بخشیدن به هدف‌های برنامه برگزاری پنج ساله به صورت سرمایه‌گذاری ثابت شامل هزینه‌های غیرثابت وابسته در دوره مطالعه و اجرای مطالعات اجرامی شود و تمامی یا قسمی از هزینه‌های آن از محل اعتبارات عمرانی تأمین می‌شود و به سه نوع اتفاقی غیرانتفاعی و مطالعاتی تقسیم می‌شود.

ردیف	تعریف	متغیر
۱۵	هنگامی رخ می‌دهد که دولت (ویا هر نهاد دیگری) بیش از درآمد خود پول خرج کند. در برای کسری بودجه، مازاد بودجه وجود دارد. به کسری بودجه انباسته شده طی چند سال بدنه دولت گفته می‌شود. تأثیر کسری بودجه معمولاً از طریق استغفار داخلی یا خارجی انجام می‌شود.	کسری بودجه
۱۶	حمایت‌های اجتماعی به طور کلی به تمامی صورت‌های عاطفی، اطلاعاتی، ابزاری، همنشینی، ملموس و غیره از مدرسانی گفته می‌شود که جامعه (دولت، نهادهای مدنی و افراد) برای جلوگیری و کاهش فقر، ایجاد برابری و عدالت و رفع تعیینهای سنگین درمان و موارد دیگر با مکانیسم تشخیص، پیشگیری از سست دادن نوانایی کسب درآمد، سالمدنی، معلولیت، رویارویی با هزینه‌های سنگین درمان و موارد دیگر با مکانیسم تشخیص، پیشگیری و کاهش، تسکین و اداره بانجام می‌رسانند.	حمایت اجتماعی
۱۷	ناتوانی به هر شرایطی گفته می‌شود که انجام برخی فعالیت‌های اجتماعی با محدودیت اتفاق خود (اجتماعی یا مادی) را برای فرد دشوارتر می‌کند. این شرایط یا اختلالات ممکن است شناختی، رشدی، عقلانی، ذهنی، فیزیکی، حسی یا تکیه‌ای از عوامل متعدد باشد. اختلالاتی که باعث ناتوانی می‌شود ممکن است از بدو تولد وجود داشته باشد یا در طول زندگی فرد به دست آید. غالباً افراد ناتوان «بی‌جهت منزوی و از مشارکت کامل در جامعه طرد می‌شوند». در نتیجه اختلالات ناتوانی، افراد دارای معلولیت ناتوانی می‌توانند از بدو تولد چار ناتوانی شوند یا ممکن است در طول زندگی خود برجسب اجتماعی ناتوانی و معلولیت را داشته باشند.	ناتوانی اجتماعی
۱۸	منظور از فضای کسب و کار عوامل مؤثر بر عملکرد واحدهای اقتصادی مانند کیفیت دستگاه‌های حاکمیت، ثبات قوانین و مقررات، کیفیت زیرساخت‌ها و... است که تغییر دادن آنها فراتر از اختیارات و قدرت مدیران بنگاه‌های اقتصادی است.	کیفیت فضای کسب و کار
۱۹	برخی از اقتصاددانان معتقدند که فعالیت‌های غیرمولد به فعالیت‌های اطلاق می‌شود که بر پسترات ایجاد شود. بر اساس این تعریف، چنانچه حتی یک کارخانه به واسطه رانت فعالیت کند، فعالیت آن غیرمولد خواهد بود. چراکه در بلندمدت و میان مدت رفاه عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این گروه از اقتصاددانان اعتقاد دارند که فعالیت‌های اقتصادی در ذات خود نه مولد هستند و نه غیرمولد. آنچه نوع یک فعالیت اقتصادی را مشخص می‌کند بسته است که آن فعالیت را ایجاد می‌کند. چنانچه آن بسترهای فعالیت رانت ایجاد شود، فعالیت نیز نامولد خواهد بود. اما اگر بسترهای مهیا باشند، آن فعالیت می‌تواند مولد باشد. به طور کلی فعالیت‌های نامولد در سه دسته کلی تقسیم‌بندی می‌شوند. به فعالیت‌های نامولد اطلاق می‌شود که سود حاصل از آن ناشی از عایدی از محل افزایش قیمت واقعی سرمایه (بلندمدت) باشد، یا ناشی از عایدی از محل خرید و فروش‌های مکروه‌سفته‌بازی (کوتاه‌مدت) باشد ناشی از عایدی از محل تخلف، فساد، انواع رانت و انحصار باشد.	جزایت نامولد
۲۰	اطمینان از حفاظت مالی در برابر هزینه‌های سلامت، یکی از مؤلفه‌های اصلی اهداف توسعه پایدار محسوب می‌شود که هدف آن، رسیدن به پوشش همگانی سلامت پای HCUs است. یکی از روش‌های ارزیابی حفاظت مال، میزان پرداخت مستقیم از جیب مردم برای هزینه‌های سلامت و روش دیگر نسبت خانوارهای مواجه با هزینه‌های فقرزا در سلامت است.	هزینه سلامت
۲۱	گردآوری اعانه یا جذب و جمع‌آوری کمک‌های مالی به روند جمع‌آوری کمک‌های داوطلبانه نقدی یا غیرنقدی گفته می‌شود. این کار با درخواست از افراد، شرکت‌های مشاغل، مؤسسات خیریه یا حتی سازمان‌ها و اداره‌های دولتی به جهت اعطای کمک‌های مالی انجام می‌پذیرد. اگرچه جمع‌آوری کمک‌های مردمی به طور معمول اشاره به تلاش برای جمع‌آوری پول برای سازمان‌های غیرانتفاعی دارد، گاهی از این کار برای شناسایی و درخواست کمک از سرمایه‌گذاران یا سایر منابع تأمین سرمایه به منظور تأمین مالی شرکت‌های انتفاعی نیز استفاده می‌شود.	کمک‌های مردمی
۲۲	مشارکت در جامعه محلی یعنی فرایند به کارگیری توانمندی‌های فردی یا گروهی ذی‌نفعان برای دستیابی به یک هدف گروهی. در این فرایند، رفتار آگاهانه، خواست جمعی، پدیده شرکت‌های انتخاب و وجود نیازهای مشترکت اهمیت دارد. آنچه در یک فرایند مشارکت موقوف مهمن است احساس نیاز برای حل یک مشکل، شناخت آن مشکل و احساس نیاز به همکاری گروهی با توجه به میزان دانش و توانمندی افراد و شناخت آنان از توانایی‌ها و امکانات موجود و حداقل استفاده از آنهاست.	مشارکت مردمی
۲۳	یک شاخص آماری است که نشان می‌دهد اعضاً یک جامعه به طور میانگین چقدر عمر می‌کنند، یا به عبارت دیگر انتظار می‌رود چقدر عمر کنند.	امید به زندگی
۲۴	رشد اقتصادی را می‌توان به معنای افزایش ارزش کالاهای و خدمات تنظیم شده با توجه در طول زمان تعریف کرد. آمار شناسان به طور متعارف چنین رشدی را به صورت درصد افزایش تولید ناخالص داخلی حقیقی یا GDP تعریف می‌کنند.	رشد اقتصادی
۲۵	رقابت‌پذیری به معنای توانایی و عملکرد یک شرکت، یک بخش اقتصادی یا یک کشور در فروش و عرضه کالا و خدمات در یک بازار در مقایسه با دیگر شرکت‌ها، زیربخش‌ها و کشورهای حاضر در همان بازار است. این اصطلاح همچنین برای بازارهای نیز استفاده می‌شود که اشاره به میزان رقابت‌پذیری بودن ساختار بازار دارد.	رقابت‌پذیری تولیدات داخلی
۲۶	زمان بندی اجتماعی انتظارات درجه بندی شده سنتی برای رویدادهای مهم‌زنندگی مانند شروع کدن اولین شغل، ادراج کردن، تولد اولین فرزند، خریدن خانه و بازشستگی است. منبع مهم تغییر شخصیت در بزرگسالی، تعبیت از میان بندی اجتماعی یا انحراف از آن است. زمان بندی اجتماعی زمانه مانند ازدواج و مادرکردن است همچنین زمان بندی اجتماعی مردانه شغل عالی داشتن و پیش‌رفت کردن است. به نظر می‌رسد پیروی از ساعت اجتماعی در اوایل بزرگسالی (۲۰ سالگی تا ۴۰ سالگی) موجب اطمینان خاطر می‌شود. زیرا تمدن می‌کند که جوانان به فعالیت اجتماعی می‌پردازند. مهارت‌هایی را پیروی می‌دهند و آگاهی از خود و دیگران را بالا می‌برند. به عقیده نوگارن (روان‌شناس) ثبات جامعه بستگی به داشتن افرادی دارد که خود را به الگوهای زمان بندی اجتماعی یا انتظارات اجتماعی متعهد بدانند.	انتظارات اجتماعی

ردیف	متغیر	تعریف
۲۲	احساس محرومیت نسبی	<p>محرومیت نسبی هنگامی بیش می‌آید که در راه دستیابی افراد به اهداف و خواسته‌های شان مانع ایجاد شود. محرومیت نسبی نتیجه تفاوت بین خواسته‌های افراد است.</p> <p>محرومیت نسبی می‌تواند سه نوع متفاوت داشته باشد:</p> <ul style="list-style-type: none"> محرومیت نزولی که در آن انتظارات افراد ثابت اما توانایی هایشان به طور مداوم کاهش می‌باید. محرومیت ناشی از بلندپروازی، یعنی در حالی که توانایی های افراد ثابت است انتظاراتشان افزایش می‌باید. محرومیت صعودی که پس از یک دوره رشد هم زمان انتظارات و توانایی های توانایی ها افزایش صعودی باز استاده با کاهش شدید می‌باید و انتظارات همچنان حالتی صعودی دارند. <p>هرچه محرومیت نسبی ایجاد شده براساس تفاوت و توانایی ها شدیدتر باشد، آن گاه نارضایتی شدید تراحتمال و شدت خشونت هم بیشتر خواهد بود.</p>
۲۳	پایداری اجتماعی	<p>مفهوم پایداری در دهه ۱۹۶۰، در پاسخ به نگرانی های زیست محیطی و در نتیجه مدیریت ضعیف منابع شکل گرفت. در ابتدا مفهوم مسائلی چون کارایی انرژی، بازیافت، حفاظت از منابع طبیعی، توجه به نسل های آینده... را دربرمی گرفت. اگرچه مسائل اقتصادی نیز به تدریج در این مفهوم مورد توجه قرار گرفت ولیکن می توان اذعان کرد که بعد اجتماعی توسعه پایدار از دهه ۱۹۹۰ موردن توجه جدی قرار گرفته است. با این حال پایداری اجتماعی به عنوان یک مؤلفه اساسی توسعه پایدار شمرده می شود که به طور فزاینده ای با مباحثات مربوط به اجتماع پایدار و پایداری شهری گره خورده است</p>
۲۴	آسیب های اجتماعی	<p>آسیب های اجتماعی به دسته ای از ناسامانی ها و ناهنجاری های رفتاری افراد یک جامعه چه صورت فردی و یا جمعی اطلاق می شوند که ریشه در بی‌نظمی ها، کمکاری دهای پدیده های اجتماعی و پیامدهای ناطلوب آنها دارد. این آسیب های غالباً باعث رنجش روانی، جسمی و مادی افسار خاص و آسیب پذیر جامعه می شوند و همچنین می توان گفت که به هر نوع عمل فردی یا جمعی گفته می شود که در راستای اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی یا غیررسمی جامعه محل فعالیت کشگران قرار نمی گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبض اخلاقی و اجتماعی رو به رو می گردد.</p>
۲۵	حاشیه نشینی	<p>حاشیه نشینان کسانی هستند که در سکونتگاه های غیر متعارف با ساکنین بافت اصلی شهر زندگی می کنند. گروه های مزبور بر اثر نیروی دافعه خاستگاه چون فقر و بیکاری و همچنین عوامل جاذب شهری از زادگاه خود رانده شده و به شهرهاروی آورده اند و آن جا که اکثریت این گروه هایی سوابد بوده و مهارت لازم جهت چذب در بازار کار شهر را دارند. عامل پس از ندان شهری نیز آنها را از شهر رانده به حاشیه کشانده است.</p>
۲۶	تعادل منطقه ای جمعیت	<p>طی دهه های اخیر افزایش جمعیت و رشد بی رویه شهرنشینی در شهرهای بزرگ شده و رستاه و شهرهای کوچک نیاز از خدمات مناسب بی بهره مانده اند. این امر سبب بروز عدم تعادل های منطقه ای و نوعی گسیختگی فضایی شده است. در ایران نیز بخش عده ای از جمعیت، تعادل و خدمات در کلان شهرهایی نظریه تهران، مشهد، کرج، شیراز اصفهان، تبریز و ... متصرک شده اند و عدم توازن و تعادل را در سطح کشور به وجود آورده اند.</p>
۲۷	تورم	<p>از نظر علم اقتصاد اشاره به افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی یا قیمت است. تورم عموماً به معنی افزایش غیر متناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می شود. تورم، روند افزاینده و نامنظم افزایش قیمت ها در اقتصاد است. هر چند برایه نظریه های گوناگون، تعریف های متفاوتی از تورم ارائه می شود، اما، تمامی آن ها به روند افزاینده و نامنظم افزایش در قیمت ها اشاره دارند.</p>

منابع و مأخذ



۱. قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۳.
۲. سیاست های کلی تأمین اجتماعی، ۱۴۰۱.
۳. نگاهی به سیاست های کاهش فقر با تأکید بر برنامه افزایش مستمری نیازمندان، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۴۰۰.
۴. تصویر مصرف و رفاه خانوارهای ایرانی و سیاست های حمایتی پیشنهادی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۹.





مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسیداران، روبروی پارک نیاوران (خلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۰۲۱-۷۵۱۸۳۰۰۰ | صندوق پستی: ۱۵۸۷۵ | پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وب سایت: rc@majles.ir